فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی(بهار ادب)
علمی-پژوهشی
سال هشتم-شماره دوم-تابستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی۲۸

بازتاب عناصر زبانی وبیانی سبک هندی در غزل زیب النساء(مخفی)

(ص۳۰۲-۲۸۷)

طاهره صادقی تحصیلی[۱]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۰۷
تاریخ پذیرش قطعی مقاله:۱۳۹۴/۰۵/۲۷

چکیده:
زیب النساء بیگم متخلص به مخفی از مشهورترین شاعران پارسی‌گوی شبه قاره هند است.پدرش اورنگ زیب از پادشاهان بزرگ گورکانیه هند ومادرش« دلرس بانو» ایرانی و دختر شاهنواز خان صفوی است. او در قالبهای مختلف شعری طبع آزمایی کرده است اما توفیق او در غزلسرایی (پانصدوچهارغزل) بیش از دیگر قالبهای شعری بوده است. در دیوان او مضامین و مفاهیمی شبیه به باریک اندیشی و نازک خیالیهای سبک هندی وجود داردکه بسامد آنها، کم نیست : بکاربردن کلمات و ترکیبات عامیانه، ترکیب سازی تازه وخاص، موتیفهای خاص واژگانی، وابسته‌های خاص عددی،تعبیرات و تشبیهاتی که رنگ محلی دارد. اغراق، پارادوکس، استعاره فعلی، تشبیه فشرده و بویژه کاربرد زیاد تمثیل و اسلوب معادله که از شاخصه‌های مهم سبک هندی بشمار میرود در شعر وی بسیار دیده میشود. در این پژوهش ضمن تحلیل اشعار زیب النساء مخفی، بازتاب ویژگیهای سبک هندی را در دیوان اشعار وی بررسی میکنیم وسپس به بسامدها ، که تشخص سبکی شاعر در آن نمایان شده است. خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: زیب النساء، سبک هندی، عناصربیانی، عناصرزبانی ، غزل.

[۱] - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان . sadeghi.tahsili@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه و طرح مسأله:

زیب النساء «مخفی» در سال ۱۰۴۸ ه.ق درشبه قاره هند به دنیا آمد و پس از شصت وپنج سال زندگانی به سال ۱۱۱۳ ه.ق در همان سامان (دهلی) جهان را بدرود گفت. پدرش اورنگ زیب از پادشاهان بزرگ سلسلهٔ گورکانیه هند و مادرش «دلرس بانو» دختر شاهنواز خان صفوی است به این سبب زیب النساء خویش را ایرانی میداند و به این سرزمین سخت دلبسته است. او در سن بیست و یک سالگی شعر گفتن را آغاز کرد و از همان آغاز تخلص «مخفی» را برگزید. محفل مخفی به مقتضای علاقه وذوق و قریحه‌ی وی مجمع ارباب شعر و ادب و اصحاب کمال و هنر بود و شاعران و ادیبان و عالمان و هنرمندان در سایهٔ تشویق و حمایت او میزیسته‌اند. مخفی در طول زندگی خویش همسری اختیار نکرد. او با آنکه شاعری هندی است اما چنان از ایران و به‌ویژه خراسان یاد میکند که گویی وطن او ایران است. دیوان اشعار او را برخی پانزده هزار بیت نوشته‌اند.(دیوان مخفی زیب النساء بیگم ،کرمی، ۱۳۶۲:ص ب) و عده‌ای چهار هزار و بیست و پنج بیت که شامل پانصد و چهار غزل، دوازده قصیده، دو ترجیع بند، چهار ترکیب بند، یک مسدس، یک مخمس و چند بیت پراکنده میدانند.(دیوان زیب النساء مخفی ، صدیقیان، میر عابدینی،۱۳۸۱:ص ۱۳) به هر حال عده‌ای شعر او را تقلیدی و تکراری میدانند و تأثر خاطر شاعر را از حافظ در همهٔ زمینه‌ها حتی در وزن، قافیه، ردیف و واژگان و.... یادآوری میکنند و برخی شعر او را در حد اعلا و کمال شعری نمیشمارند و سخن او را کم و بیش متأثر از شیوهٔ عرفی میدانند و گروهی نیز معتقدند در شعر مخفی «باریک اندیشیهای اشعاری که به سبک هندی معروف است قوتی ندارند» (کرمی، ب)در این پژوهش، اتفاقاً، باریک اندیشیهای سبک هندی در غزل مخفی، نگارنده را برآن داشت تا تأثیر مؤلفه‌ها و همچنین نازک خیالیهای سبک هندی در غزل او را بنا بر عناصر زبانی و بیانی (بلاغی) بنمایاند. بدیهی است شاخصه‌های عمومی سبک هندی که در شعر تمام شاعران این سبک (چه شاخهٔ ایرانی و چه شاخهٔ هندی) به وفور یافت میشود در نظر بوده است. به همین منظور به تفکیک، به ویژگیهای سبک هندی اشاره شده و سپس در ذیل هر عنوان نمونه‌های بارز شعر مخفی که دارای این خصوصیات میباشد بررسی و تحلیل شده است.

روش پژوهش :

مهمترین داده هایی که در این پژوهش بکار رفته است دیوان زیب النساء مخفی و منابع مرتبط با آن است روش خاص آن توصیفی – تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی و به روش کتابخانه ای انجام گرفته است .

اهمیت و ضرورت تحقیق :

Archive of SID

www.SID.ir

ضرورت تحقیق در این است که به استناد شواهد و نمونه های مناسب شعری ، جایگاه سبکی یک شاعر زن فارسی زبان تبیین میشود . شاعری که در خصوص طرز سخن او اقوال و آراء متفاوت و گاه متضاد بیان میشود .

پیشینهٔ تحقیق :

دیوان زیب النساء به همت مهیندخت صدیقیان و سید ابوطالب میر عابدینی و همچنین احمد کرمی منتشر شده است در مقدمهٔ این کتاب در خصوص زندگی و اشعار مخفی مطالب مفیدی ذکر شده است همچنین مطالب پراکنده ای دربارهٔ آثار و احوال ایشان در سایتهای اینترنتی مشاهده میشود ، اما پژوهشی که بطور خاص به مولفه های سبک هندی در دیوان مخفی پرداخته باشد یافت نشد.

زمینهٔ بحث :

از دیرباز میان ایران و هندوستان به دلایل متعددی رابطهٔ ادبی، سیاسی، فرهنگی موجود بوده. در نتیجه افکار مردم این دو کشور در یکدیگر تأثیر گذاشته است. فتوحات سلطان محمود و حکومت او در هندوستان و تسلط سلاله‌های دیگر که دوستدار زبان و ادبیات فارسی بودند، زمینه را برای انتشار این زبان در سرزمین وسیع هند فراهم آورد. در آخر نیز که حکومت به دست سلاطین گورکانی (از اعقاب تیمور) افتاد، بیش از هر وقت، زبان فارسی مجال ترقی و پیشرفت یافت و روز به روز بر عده‌ی هواداران و آشنایان آن افزود. تا جایی که رونق زبان فارسی، حتی شاهزاده خانمهای دربار هند را تحت تأثیر قرار داد. بگونه‌ای که هر یک تلاش میکردند بدان زبان شیرین، نرم و قابل انعطاف شعر بگویند. زیب‌النساء مخفی نیز که اصلاً نسب مادری‌اش به دودمان صفوی میرسد از این دسته بود. او از روزگار کودکی به کسب دانش و آموختن زبان فارسی و عربی اهتمام ورزید. قرآن را در نزد بانو حافظه مریم یاد گرفت و میرزا محمد سعید اشرف مازندرانی دربارهٔ شعر و شاعری با او گفتگو ومشورت میکرد. و حتی قصاید و مقطعات و مثنوی‌هایی در ثنا گستری مخفی به نظم آورد. بهر حال ایام زندگی مخفی مقارن با رواج سبک هندی است. طرز تازه‌ای که از دورهٔ بابافغانی و پیش از او آغاز شده بود و چهره‌های مشخص و برجستهٔ آن در قرن یازدهم شاعرانی چون صائب تبریزی ، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی ، طالب آملی بودند. برخی از مهمترین ویژگیهای برجستهٔ سبک هندی براساس آراء صاحبنظران به شرح ذیل است: وجود لغزشهایی در گفتار، غلطهای صرفی و نحوی ، مسامحه های لفظی، شکستن حدود مضامین قراردادی و محدودهٔ شعری ، فروشکستن مرزهای مبالغه ، ایجاز ، مضمون سازی، تنوع موسیقی، افزونی بسامدحس آمیزی و تشخیص ، کاربرد اعداد خاص تشبیه ، افزونی بسامدوابسته های خاص عدد و وابسته های عدد نوساخته ، ترکیبات ماخوذ از محاوره و اسلوب معادله است(نگ ، بررسی ویژگیهای سبکی بیدل دهلوی، وفایی، طباطبایی،۱۳۸۹ :۷۲-۷۴) برای سبک هندی دو شاخهٔ ایرانی و هندی قائلند. که

Archive of SID

www.SID.ir

از حیث سبک‌شناسی شاخصه‌های جداگانه و مستقلی دارند «سلاست زبان و فصاحت کلام، وضوح و روشنی ترکیبات و تصاویر در شاخهٔ ایرانی نسبت به شاخهٔ هندی بیشتر است و بر عکس شاخهٔ هندی که در زمان خود بطرز خیال، طرز ابهام و یا شیوهٔ خیال‌بندی شهره بود، آشفتگیها و شکستگیهای زبانی، غموض‌معنایی، ابهام، انتزاع و تجزید بچشم میخورد» (طرز تازه، سبک شناسی غزل سبک هندی ،پورآلاشتی، ۱۳۸۴:ص ۱۹)

شاعران برجستهٔ شاخه هندی میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی، غنی کشمیری، میرزا جلال اسیراصفهانی ، گرامی کشمیری هستند. بهر حال در هر دو شاخهٔ ایرانی و هندی شاخصهٔ عمومی سبک هندی در دو حوزهٔ زبانی و بیانی قابل تأملند که در اشعار هر یک از این شاعران، یک یا چند شاخصه در بسامد بالا قرار دارد. و تشخص سبکی آنها نیز از این رهگذر (تکرار و بسامد) رقم میخورد. زیرا « سبک زمانی هویت پیدا میکند که تکرار و تداوم عناصر صوری ، محتوایی در سخن یک گوینده محسوس باشد . » (سبک شناسی نظریه‌ها ، رویکردها و روشها، فتوحی،۱۳۹۲ : ص۴۸) در اینجا به تحلیل خصوصیات زبانی و بیانی غزل مخفی که در راستای تبیین جلوه‌های سبک هندی در اشعار اوست میپردازیم.

۱- زبان

بحث از زبان شامل مواردی چون کاربرد کلمات عامیانه، کاربرد واژگان خاص، ترکیب سازی، آرکائیسم، وابسته‌های خاص عددی، موتیفهای واژگانی، ترکیب سازی خاص و ..... میشود. در اینجا به پربسامدترین نمونه‌ها در شعر مخفی اشاره میشود.

الف) کاربرد زبان عامیانه

زرین‌کوب در خصوص این ویژگی سبک هندی چنین میگوید: :« در شعر فارسی مخصوصاً در دورهٔ صفویه به سبب آن که از انحصار اهل مدرسه خارج شد و در دست بازاریان افتاد- خیاط ، کفشگر ، خرده فروش ،خباز ، آشپز و سرباز - مملو شد از الفاظ و تعبیرات بازاری . » (شعر بی دروغ ، شعر بی نقاب ، زرین کوب ، ۱۳۷۲ :ص ۵۷)

در شعر مخفی نیز ، کلمات، ترکیبات و کنایات عامیانه که نوعی تطابق با زبان کوچه و بازار است وجود دارد .بنظر میرسد هر جا شاعر توانسته است بین لفظ و معنی تعادل و تناسب ایجاد کند ، سادگی و عامیانه بودن لفظ و ترکیب کمتر محسوس است :

جاروب کشیدن :

Archive of SID

www.SID.ir

چند بندد پاسبانش در به رویم رو نگردانم — کشم جـاروب از مژگـان فطـرت آسـتانش[1] را (۲۹/۱۲)

پنبه از گوش بیرون آوردن :

آور کنون ز گوشت این پنبه هـای غفلـت — در درس نکته سنجان، در کـام کـش، زبـان را (۳۹/۲۶)

حلقه به گوش:

در راه طلـب، یـک نفـس از پـا ننشـینم — تا زمزمـۀ عشـق مـرا حلقـه بـه گـوش اسـت (۸۹/۱۰۰)

رفو کردن :

چندانکه رفـو میکـنمش بـاز شـود چـاک — ایـن زخـم دلـم از حـد و انـدازه بـرون اسـت (۱۰۶/۱۲۸)

بی رواجی جنس و کساد بازار :

به بی رواجی جنس و کساد بازاری — که نقد کون و مکان رایج از دکان من است (۱۰۵ / ۱۲۵)

یا :

پای درگل فرو ماندن(۹۲/۱۰۶)، بوالهوس(۱۰۰/۱۱۹)، خمیازه کشیدن(۱۰۶/۱۲۸)، پاکشیدن(۱۱۱/۱۳۵) خون از سیخ کباب افتادن(۱۵۹/۲۱۰)، از سر ناخن بر تار دل زدن(۱۳۶/۱۷۴)، بوالهوس عشق بودن(۱۳۷/۱۷۶)، ناخن بر زخم زدن(۱۸۲/۲۴۶)، انگشت بر نمکدان دیگری زدن(۲۳۹/۳۳۸)، جُل بر خر نهادن(۲۴۸/۳۵۱)، دست حنا بستن(۲۹۶/۴۲۹)، دست و پا به گل ماندن(۲۹۸/۴۳۴)، رو سیاه شدن (۴۰/۲۸) ، سیلی زدن (۴۴/۳۳) ، لاف زدن (۵۴/۵۲) ، تبخال زدن (۱۷۳ /۳۵) .

ب- ترکیبات تازه و خاص:

در شعر مخفی انواع ترکیبات مرکب، اضافی و وصفی نمود چشمگیری دارد. « از عوامل تعقید و ابهام زبان شعر سبک هندی که باعث متمایزترشدن زبان شعر این سبک با دوره‌های قبل و بعد می شود وجود ترکیبات خاص است که شاعران در این سبک دست به ساخت آنها زده ویا ساختار آنها را گسترده تر کرده اند » (علی منش ، قاسمی ، ۱۳۹۰ :۲۳۲) و از این طریق ضمن ایجاد شبکۀ

[1] - تمام نمونه‌های شعری از کتاب دیوان زیب‌النساء مخفی، دکتر مهیندخت صدیقیان و دکتر سید ابوطالب میر عابدینی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱ برگرفته شده است شمارۀ سمت راست غزل و شمارۀ سمت چپ صفحه است. بنابراین ۱۲ شماره غزل و ۲۹ شماره صفحه است.

Archive of SID

www.SID.ir

معنایی و تصویری جدید، مفاهیمی تازه را خلق می کند. هر چند این معانی چندان انتزاعی و دور از ذهن نیستند. به هر حال مضمون آفرینی بیشتر ترکیبات غزل او، مبتنی بر ترکیبات اضافی است. سمندر طینت(۴۰/۲۸)، آتش نگاه(۴۰/۲۸)، لذت بردوبای(۴۴/۳۲)، پنجهٔ صبر(۵۳/۵۰)، شعشعهٔ ناز(۵۶/۵۵)، پنبه‌های مرهم(۵۹/۶۰)، لیلی اساس(۶۸/۷۴)، شست نگه(۷۶/۸۵)، یوسف مصر هنر(۱۲۸/۱۶۳)، بوالهوس عشق(۱۳۷/۱۷۶)، چشم زخم خیال(۱۵۵/۲۰۵)، ناخن آشفتگی (۱۸۲/۲۴۶)، نشئه‌های ناز(۲۱۶/۳۰۱)، سمندر همت(۲۴۸/۱۳۵۱)، رنگ‌آمیز جنون(۲۷۴/۳۹۷)، صد جهان دُرسخن (۲۸۶/۴۱۷)، طرز تغافل(۴۹۹/۵۰۰).

ج)وابسته‌های خاص عددی:

در زبان فارسی معمولاً وابسته‌های عدد و معدود همیشه امری مادی و ملموسند. که قابل سنجش و شمارشند. اما در شعر بویژه سبک هندی، این هنجار در هم شکسته میشود و منطبق بر هنجار محورهمنشینی کلام نیست. شفیعی کدکنی در کتاب شاعر آینه‌ها، در تبیین ویژگی شعر بیدل دهلوی مینویسد:«هنری که در سبک هندی اساس و محور بیان قرار میگیرد و تنوع بیش از حد این استعمال است. آن هم در مواردی‌که گاه یکی از دو عامل بعد از عدد، امری انتزاعی است و گاه هر دو از اموری هستندکه انتزاعیند و غیر قابل اندازه‌گیری» (شاعر آینه‌ها ، بررسی سبک هندی در شعر بیدل ،شفیعی کدکنی، ص۴۶و۴۷) در شعر مخفی، نمونه‌های فراوانی از این خصیصهٔ زبانی یعنی خلق وابسته‌های خاص عددی دیده میشود بسامد نوع: عدد + مادی + انتزاعی در شعر او بیشتر است.

عدد + مادی + انتزاعی :

سوزد هزار خرمن غم را به یک نفس　　سر بر زند چو شعلهٔ آه از گلوی من
(۲۷۰/۳۸۸)

عدد + انتزاعی + مادی :

از خون دل و دیده به دامان تمنا　　صد رشک چمن دارم اگر در قفس افتم
(۲۷۸/ ۴۰۴)

عدد + انتزاعی + انتزاعی:

فهم صورت چو کند مجنون کـه در درس جنـون　　صـد هـزاران معنـی بکـر از دل اسـتاد رفـت
(۱۴۶/۱۹۰)

وترکیبات دیگری که مفهوم اندازه و شماره را به نوعی میرساند ولی از مقوله شماره و اندازه نیست،یعنی کاربرد«اعدادومعدود درزنجیرهٔگفتاروباپارادایم‌هایparadiymغیرنرمال» (شاعرآینه ها، بررسی سبک هندی در شعر بیدل،شفیعی کدکنی، ص ۵۳)

Archive of SID

www.SID.ir

ای که در عهد جمالت عشق بی بنیاد نیست　　در جهان یک دل زتیر زلف تو آزاد نیست
(۱۲۰/۱۵۱)

د) موتیفهای خاص واژگانی:

LeiT motif این اصطلاح را هانس فون ولزوکن(hansfon voltesogn) در اشاره به مضمون موسیقیایی که بر محور یک موضوع، شخصیت یا احساس خاص حضور دارد ابداع کرد. توماس‌مان آن را به معنی مضمون یا جزء تکرار شونده در ادبیات بکار برد. اکنون گاه گاه به همان معنی مورد نظر«مان» و به معنی وسیعترش در اشاره به مضامین مورد علاقهٔ یک مؤلف در ادبیات بکار میرود. (فرهنگ ادبیات و نقد ادبی،کادن، ۱۳۸۰:ص ۲۲۲) در بخش دیگری از این کتاب در تعریف موتیف آمده است «هریک از فکرها و ایده های غالب در اثر ادبی ، بخشی از مضمونهای اصلی ممکن است شامل یک شخصیت یا یک تصویر مکرر یا یک الگوی زبانی باشد.» (همان ، ص۲۴۶) موتیف در هنر و ادبیات عنصری است که در کل ادبیات یا در کل آثار یک فرد یا یک اثر تکرار میشوداز آنجا که از نظر سبک شناسی هر تکراری مورد توجه است موتیف به عنوان عنصر تکرار شونده حائز اهمیت است. بنابراین موتیف و کارکردهای آن در بررسی آثار و سیر اندیشهٔ نویسنده و شاعر ، تحلیل سطح محتوایی اثر ، دریافت رابطهٔ فرم و محتوا و بررسی کیفیت این رابطه موثر است . (نک. موتیف چیست وچگونه شکل میگیرد،تقوی،دهقان،۱۳۸۸:صص۷-۱۵) بنابراین مهمترین ویژگی موتیف خصلت تکرار شوندگی و برانگیزندگی است. در شعر مخفی هر چند موتیفهای به کار گرفته شده بیشتر جنبهٔ واژگانی دارند و کمتر محور تداعی و تعابیر برجسته هستند، اما تصاویر شعری و زبان خاص شاعر، حول آن شکل میگیرد :

شمع و پروانه:

پروانه صفت زآتش دل بال و پرم سوخت　　چون شمع شب هجر، ز پا تا به سرم سوخت
(۵۹/۶۱)

لیلی و مجنون:

بستهٔحرفی که مجنون جانب لیلی ندید　　باورم ناید که عاشق طالب دیدار نیست
(۱۲۳/۱۵۵)

یعقوب و یوسف:

یعقوب صفت دیده من بر ره امید　　کان رایحهٔ یوسفی همراه صبا نیست
(۱۱۹/۱۴۹)

یوسف و زلیخا :

Archive of SID

www.SID.ir

تهمت عشق نه پیراهن یوسف بدرید　　پرده از عصمت ناموس زلیخا برداشت
(۱۴۲/۱۸۳)

نکتهٔ قابل توجه در شعر مخفی توجه خاص او به داستان حضرت یوسف است. در دیوان او بیش از چهل بار اشاراتی به داستان دیده میشود.

گل و شبنم :

هر بوالهوسی را نرسد لاف محبت　　با شبنم آن گل که گلابش همه خون است
(۱۰۰/۱۱۹)

بسامد واژگانی که شبکه تداعی و زمینهٔ تصویرسازی شاعرانه قرار گرفته است.عبارتند از : فانوس، پنبه، ناخن، گوهر، غنچه، کباب ، فرهاد، حنا، گنج ، محیط، شمع ، تبخال ، آتش.

۲- بیان

بیشتر نوآوری شاعران سبک هندی در حوزهٔ بیان صورت گرفته است. در اینجا به توصیف هر یک از ویژگیهای بیانی مخفی که شعر او را به سبک هندی نزدیک میکند میپردازیم:

الف- تمثیل و اسلوب معادله

از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک هندی است که در دیوان صائب به عنوان نمایندهٔ برجستهٔ سبک هندی محور و مرکز تصاویر و تعابیر شاعرانه قرار گرفته است.به هر حال آوردن تمثیل و اسلوب معادله در کنار هم به منزله یکسان پنداشتن آن دو نیست. شفیعی کدکنی اسلوب معادله را مُدعامَثَل میداند « مُدعامَثَل همان چیزی است که متأخرین اهل ادب به علت عدم دقت در ظرایف کار (که بازگشت آن به صورت و ساخت است) آن را تمثیل تعبیر میکنند »(شاعری در هجوم منتقدان ، نقد ادبی در سبک هندی پیرامون شعر حزین لاهیجی ، شفیعی کدکنی ، ص۴۷) همچنین او اسلوب معادله را یک ساختار مخصوص نحوی میداند و در تعریف آن میگوید: «دو مصراع، کاملاً از لحاظ نحوی مستقل باشند هیچ حرف ربط یا شرطی یا چیز دیگری آنها را حتی معناً (نه فقط به لحاظ نحو) به هم مرتبط نکند.» (شاعر آینه‌ها ، بررسی سبک هندی در شعر بیدل شفیعی کدکنی، ص ۶۳)

در حالیکه در تمثیل بین دو مصراع ارتباط نحوی است. در غزلیات مخفی هر چند تنوع و تکثر و مفاهیمی که در این ساخت عرضه شده است زیاد نیست و بیشتر شامل موضوعاتی چون اخلاق و حالات انسانی است اما بسامد تمثیل و اسلوب معادله به شکل گسترده‌ای در اشعار او نمود دارد:

مخفیا اشکی زچشم برگ بیحاصل بود　　کرده‌ای جاروب مژگان خانقاه رُفته را
(۴۳/۳۰)

Archive of SID

www.SID.ir

به ذوق بزم می نوشان شـرر از شـعله افزایـد — برآتش قطرهٔ خونی که از سـیخ کبـاب افتـد (۱۵۹/۲۱۰)

گرفت وگیربیدادی نه طرزدشـمن داد اسـت — که مفلس در پلاس و خرقهٔ پشمینه می‌لرزد (۱۸۶/۲۵۱)

پنجهٔغم سـال‌هـا شـد پنجـهٔ صـبرم نیافـت — رستم وقت خود است ایـن قـوت بـازوی مـا (۵۳ /۵۰)

گـر زدم لاف محبـت بـا غمـت معـذور دار — ذره را عیبـــی نباشـــد آرزوی آفتـــاب (۵۴/۵۲)

بی سبب مجنون وطن در گوشـهٔ ویرانـه داشـت — بر گرفتاران فضای خانه و بیرون یکـی اسـت (۱۱۸/۱۴۸)

در این نمونه‌ها شاعر تلاش میکند برای گزاره‌های ذهنی نمونه‌های عینی بیاورد تا اجزای گزاره ذهنی و عینی با یکدیگر منطبق و همساز گردد.همچنان که آقای شمیسا میگوید: « ساختار بیت هندی چنین است که در مصراعی معقولی گفته شود یعنی شعاری مطرح شود و در مصراع دیگر با تمثیل یا رابطهٔ لف و نشر متناسب یا تشبیه حرف آن را محسوس کند. همهٔ هنر شاعر در این مصراع اخیر است یعنی در مصراعی که باید معقولی را محسوس کند هر چه رابطهٔ بین دو مصراع هنریتر و منسجمتر باشد بیت دلنشین‌تر است.» (سبک شناسی نظم، شمیسا، ۱۳۷۹ :ص ۱۸۹)

به هر حال تمثیل و اسلوب معادله مهم‌ترین ابزار مضمون سازی و خیال آفرینی در سبک هندی محسوب می‌شود که شاعران این سبک ، در پرتو آن قدرت و هنر خود را در خلق مفاهیم و مضمونهای تازه ، متنوع و گاه بیگانه و عجیب نشان میدهند. بدیهی است مخفی نیز در این قدرتنمایی ،سهم بسزایی دارد .

ب- تشبیه فشرده:

شاعران سبک هندی از این شگرد بلاغی بسیار استفاده کرده‌اند. در دیوان مخفی نیز تشبیهات بلیغ یا فشرده فراوان است. دو سوی تشبیهات فشرده اکثراً حسی- عقلی و بندرت عقلی- حسی هستند.

صفحه امید(۲۴/۵)، گنج قناعت(۲۵/۷)، مرغ دل(۲۹/۱۲)، دُرسخن(۳۷/۲۳)، خورشید حسن(۳۹/۲۶)، گل امید(۴۷/۳۴)، شیشهٔدل(۴۶/۳۶)، دُراشک(۵۱/۴۶)، آتش غم(۶۹/۷۷)، کشور دل(۷۷/۸۶)، تیغ نگاه(۹۶/۱۱۲)، همای همت(۱۰۴/۱۲۵)، کشور حسن(۱۱۷/۱۴۷)، فانوس خیال(۱۲۶/۱۵۹)، تیر نگاه(۱۳۱/۱۶۵)، مرغ فکرت(۱۴۴/۱۸۷)، توفان اشک(۱۴۱/۱۸۳)، مرغ روح(۵۶/۲۰۶)، آتش هجران(۱۵۸/۲۱۰)، سمندر عشق(۱۵۹/۲۱۱)، محفل رزو(۱۶۸/۲۲۶)، غنچه امید(۱۸۲/۲۴۶)، لباس عافیت(۲۶۳/۳۷۷)، باغ تمنا(۲۶۸/۳۸۴)، خرمن غم(۲۷۰/۳۸۸)، آتشکدهٔ عشق(۲۷۷/۳۹۹)،بیابان غم(۲۸۲/۴۰۹)، یزیدنفس(۲۹۶/۴۲۹)، شبنم اشک(۵۰۳/ ۳۳۹)

Archive of SID

www.SID.ir

در این ترکیبات تشبیهی، مفاهیم انتزاعی و تجریدی کمتر دیده میشود. همهٔ مضافها ،مشبه‌به و همهٔ مضاف‌الیه‌ها، مشبه هستند. بنابراین بسامد زیاد این ساختار تشبیهی در شعر مخفی میتواند در تبیین طرز سخن او موثر واقع شود.

ج) تصاویر پارادوکسی:

کادن در تعریف پارادوکس میگوید: «سخنی متناقض با خود که در نگاهی دقیقتر، حقیقتی را که جامع اضداد است در خود دارد.» (فرهنگ ادبیات و نقد ادبی،کادن، ۱۳۸۰:ص ۳۰۵)در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی آمده است : « تناقض در لفظ در صورتی است که یکی از آن دو امری را اثبات کند و دیگری نفی، مانند هست و نیست . تناقض ظاهری در سخن مصداقی دارد که به ظاهر متناقض و ناسازگار آید اما حقیقت در پس این ظاهر متناقض سبب سازگاری میان طرفین ناسازگار شود » (فرهنگ اصطلاحات ادبی ، داد،۱۳۸۷ : ص۱۶۷)

در غزلهای زیب النساءمخفی نیز نمونه‌های فراوانی هم از تصاویرپارادوکسی (که از ترکیب دو کلمه متناقض حاصل شود) و هم بیان پارادوکسی (اسناد دو مفهوم متناقض در یک گزاره) دیده میشود که البته بسامد نوع دوم بیشتر است :

به زیر آب اگر دشمن چوماهی آشیان گیرد — بسوزد شعلهٔ آه من آخر آستانش را (۲۹/۱۲)

بر تن من بیزبان هر موی فریادی کند — گر زبیداد فلک فریاد رس باشد مرا (۳۲/۱۷)

دین تو نور ظلمت هر ملتی که هست — شرع تو رهنمای امید است وبیم را (۳۶/۲۲)

فکنده آتش عشقت به سینه‌ها سوزی — که کام تشنه لبانت زآب زمزم سوخت (۵۸/۶۰)

بس آتش سودای تو سرزد زدماغم — در آب روان مردمک چشم ترم سوخت (۵۹/۶۱)

سحاب دیده نمیزد اگر بر آتش آب — زسوزعشق، دل و جان مرد و زن می‌سوخت (۶۱/۶۳)

از فروغ روی شب حیران به سان آفتاب — نور میبارد چو باران بر در و بام صبوح (۱۵۵/۲۰۴)

چنان شد روشنی در دهر ناپیدا که در دیده — چراغم روشنی از ظلمت زندان من گیرد (۱۸۴/۲۴۹)

Archive of SID

www.SID.ir

در این بیتها ، برجسته سازی (Foregrounding) کلام مخفی، هم از طریق کنارهم نهادن اشیاء و امورمتضاد و هم از طریق هنجارشکنی و گریز از زبان عادی و معمولی، میسرشده است . بیان پارادوکسیکال مخفی، برخلاف عده‌ای از شاعران سبک هندی بویژه بیدل دهلوی و طالب آملی که در خلق مضامین پارادوکسی، نهایت نازک اندیشی و باریک خیالی را بکار بسته‌اند و تخیل اعجاب انگیزشان زبانزد است ساده و قابل فهم و به دور از تصنع و تکلف است . در واقع آنچه خواننده را به درنگ وامیدارد، شگفت انگیزی و نه پیچیدگی اشعار پارادوکسی او است. بدیهی است التذاذ هنری مخاطب نیز از این رهگذرحاصل میشود، رویهمرفته در پارادوکسهای مخفی، جنبه‌های هنری و تصویری بر جنبهٔ اندیشگی او رجحان دارد که از این حیث با اشعارکلیم کاشانی، عرفی شیرازی و صائب قابل قیاس است .

د- تشخیص:

هر چند نمونه‌های تشخیص را میتوان در شعر اکثر شاعران یافت اما بسامد و وجه تجریدی آن، در سبک هندی، بیشتر است. بنابراین تشخیص از شاخصه‌های عمومی سبک هندی بشمار میآید. که بیشتر حاصل اسنادهای مجازی است. که یا به صورت اضافه استعاری میآید و یا غیر اضافی که در آن ، بین مکنیه و تخییلیه فاصله است. در اشعار مخفی، تشخیص بیشتر حاصل اسنادهای مجازی است که در اکثر غزلهایش از این صنعت بهره جسته است به چند نمونه اشاره میشود :

عشق کو کز خویشتن بینی برون آرد مرا — با خرد همره به وادی جنون آرد مرا
(۳۳/۱۸)

تا داد نوید از قدمت، ابر، چمن را — بگشاد به پا بوسی تو، غنچه، دهن را
(۴۱/۲۹)

افشای راز من مکن ای اشک زینهار — احوال دل زگریهٔ مستانه روشن است
(۹۸/۱۱۶)

صبحدم باغ صبا میگفت با مرغ چمن — ناله را تأثیر نبود گر دل افگار نیست
(۱۲۳/۱۵۴)

هر کجا فوج غم عشق ، شبیخون دارد — پای خود عقل از آن سلسله بیرون دارد
(۱۷۶/۲۳۶)

گر صبا آرد نسیم پیرهن سوی چمن — غنچه را دل در درون سینه چون گل بشکفد
(۲۰۰/۲۷۵)

فتنهٔ عشق به هر خانه درون می‌اید — تیغ بیداد به کف از پی خون میاید
(۲۳۳/۳۲۹)

Archive of SID

www.SID.ir

چرخ اگر حیفی کند از جملهٔ احسان شمار بخت اگر نامت برد دستور نام و ننگ را
(۲۴۶/۳۴۸)

محبت هر کجا بزمی کند گرم به سان بلبل و پروانه میرقص
(۲۶۳/۳۷۷)

ای سلامت رو مزن سنگ ملامت بر سرم کز سلامت خویشتن را من ملامت میکنم
(۲۹۹/۴۳۵)

در خصوص تصویرهای بلاغی برخاسته از تشخیص در اشعار مخفی نکاتی قابل ذکر است :

- اسناد صفات انسانی به عناصر مادی و طبیعی به موازات اسناد به عناصر ذهنی پیش میرود. در بیتهای فوق : نوید دادن ابر / دهن گشودن غنچه / سخن گفتن باد / ستم کردن چرخ و .... در کنار شبیخون زدن عشق / پابیرون گذاشتن عقل / بزم گرفتن محبّت/ کبر شکنی عشق و..... آمده است .
- اکثر تشخیصها ، حاصل اسنادهای مجازی هستند که این شیوه باعث پویایی ، روشنی و سادگی اشعار او میشود. روشی که اکثر شاعران سبک هندی به استثنای بیدل دهلوی و طالب آملی بدان توجه نشان داده‌اند و به تبع آن اشعار خود را از تراکم و تزاحم تصویری رهانیده‌اند.

ه- اغراق :

از مختصات مشترک همه سبکها بویژه سبک هندی است که در کیفیت معانی و مضامین شعری این دوره تاثیر شگرفی داشته است شاعران این دوره «در بیان هر حالتی و شرح هر فضیلتی و ایراد هر نوع صنعتی از حدود اعتدال خارج بوده و راه افراط و تفریط پیموده اند و به همین جهت در آثار این دوره اشعار و معانی متضاد و مبالغه آمیز زیاد به نظر میرسد. این معلول دو علت است : یکی علاقهٔ شدید به مضمون تراشی و معنی آفرینی و یکی افراط در اخلاقیات و معنویات .» (صائب و سبک هندی ، دریاگشت ، ۱۳۵۴: ص۴۵۰)

بهرحال شاعران این دوره چون هدفشان تصویر سازی و معنی نازک بدست آوردن است. خواه و ناخواه اغراق و مبالغه ملازم تصاویر شاعرانه است . شاعرانی که استعاره پرداز و تجریدگرا هستند، در اغراق‌های شعریشان این ویژگی تجریدی و انتزاعی، نمود دارد. اما در شعر مخفی که شاعری اعتدالگراست و رویکرد اصلی او، مضمون سازی‌های تازه اما ساده، حسی و آشنا است و از اغراقهای انتزاعی سبک هندی که در اشعار برخی از شاعران این دوره چون بیدل و طالب که بسوی تجریدیترین و پیچیده‌ترین اشکال اغراق حرکت میکند نشانی نیست:

بس که شد از شور عشقت آه گرمم شعله ریز تیره سازد دود آهم انجم و افلاک را
(۳۱/۱۵)

Archive of SID

www.SID.ir

گـر زمزمـهٔ مـا شـنود سـنگ شـود مـوم آیـــد زدل درد، صـــدای جـــرس مـــا (۴۷/۳۹)

بیســـتون را اثـــر نالـــهٔ مـــا بگـــدازد شـــعلهٔ طـــور بـــود بـــرق دم تیشـــهٔ مـــا (۵۱/۴۵)

چنـدان بـه یـاد گلشـن وصـلت گریسـتم کامـــد بـــه دیـــده بـــرون بـــرق آه مـــا (۵۰/۴۴)

نیز:

آتش عشق تو، کام تشنه لبان را در آب زمزم میسوزاند (۵۸/۶۰)

بار غم من جامهٔ روزگار را نیلی و قامت او را خم کرده است (۶۹/۷۴)

از بس که خون گریسته‌ام، بیابان فراق آغشته به خون است (۱۰۷/۱۲۸)

از توفان اشک در دامنم، دریای مواج به وجود آمد (۱۵۲/۱۹۹)

آنچنان غم تو مرا در آغوش گرفته است که جایی برای مرغ روحم نیست(۱۶۲/۲۱۶)

اشک چشمم دریای مواجی ساخته که کشتی عمرم بر روی آن شناور است (۲۲۰/۳۰۹)

در شب فراق آنچنان اشک می‌ریزم که روی زمین را پر از ستاره میکنم(۲۹۸/۴۳۳)

استعاره فعلی:

یکی از صورتهای بیانی، استعاره در فعل است که برخلاف استعارهٔ اسمی، فعل از لوازم مشبه‌به محذوف است. استعاره در فعل در شعر شاعران سبک هندی به منظور برجستگی در زبان، عطف توجه خواننده، غافلگیر کردن و ایجاد شگفتی بکارمیرود.

استعاره در فعل معمولاً جریان مألوف کلام را در هم میریزد و خواننده را حیرت زده میکند.

نمونه‌هایی از دیوان مخفی:

حرف شستن :

حـــرف وفـــا زصـــفحهٔ امیـــد شســـته‌ام از روزگـــار کـــرده‌ام ایـــن انتخـــاب را (۲۴/۵)

مغز سخن گرم کردن:

فکـر تـا گـرم کنـد در دل مـا مغـز سـخن وای اگـــر شـــعله زنـــد آتـــش اندیشـــهٔ مـــا (۵۱/۴۵)

دل تراویدن :

آب سـودایت صـراحی بـر لـب سـاغر نهـد زآتـــش دل میتـــراود در ایـــاغ آفتـــاب (۵۴/۵۱)

Archive of SID

www.SID.ir

آتش به جوش آوردن :

نشـد سـاقی بـه آسـانی میسـربادهٔ گلگلـون　　بسی خون جگر خوردم که این آتش به جوش آید
(۲۰۳/۲۷۸)

بوی دل رسیدن:

میرسـد بـوی دل از نالـهٔ زارم بـه دمـاغ　　بـوی خونـاب دهـد سـیخ کبـاب آلـوده
(۳۳۰/۴۹۰)

حوصله شکافتن :

گـه بـه نـاخن جگـر حوصـله را بشـکافم　　گـه ز بـی حوصـلگی دسـت اطبـا گیـرم
(۲۸۹/۴۲۱)

همچنانکه مشاهده میشود شاعر با هنجار گریزی معنایی و گذر از معنای مألوف و قاموسی افعال و به کارگیری نگرش جدید، به خلق مضامین تازه دست میزند. هر چند بسامد استعاره فعلی در شعر مخفی زیاد نیست ولی از آنجا که این عنصر، در این عهد بیشتر رواج مییابد، از دیدگاه سبک شناسی حائز اهمیت است.

به هر حال در غزل مخفی ، مؤلفه‌های دیگری از سبک هندی وجود دارد که بسامد آنها اندک است:

-عدم توالی منطقی ابیات به گونه ای که هر بیت مضمونی جداگانه دارد . در غزلهای او ، گاهی اوقات واحد شعر از غزل به بیت و گاه از بیت به مصراع تقلیل پیدا میکند .

-استعارهٔ اسمی چون وجه مشترک همه اشعار فارسی در ادوار مختلف است از ذکر مصادیق شعری آن خودداری گردید .

-حس آمیزی و ایهام تناسب ، که بسامد آن در شعر مخفی بسیار اندک است .

نتیجه‌گیری:

بررسی و تحلیل عناصر زبانی و بلاغی غزل مخفی نشان میدهد که طرز سخن او به سیاق و سبک هندی نزدیک است:

- کثرت استعمال الفاظ و ترکیبات عامیانه، شیوه‌ای که اکثر شاعران این سبک، با بکار بستن آن، شعرشان را به سطح ذوق و ادارک عمومی و زبان تودهٔ مردم نزدیک کرده است.

- بسامد انواع ترکیبات: بویژه ترکیبات اضافی بصورت گسترده و چشمگیری در شعر مخفی نمود دارد. بهرحال در سبک هندی به تدریج ساختهای عطفی و اسنادی جای خود را به ساختهای اضافی میدهد و تکرار آن در شعر شاعران این دوره، شاخصهٔسبکی محسوب میشود.

- وابسته‌های عددی خاص: در سبک هندی آنچه اساس و محور بیان قرار میگیرد کاربرد و تنوع بیش از حد این نوع استعمال که نمونه‌های آن بویژه بسامد ترکیب عدد و معدود به شکل عدد + حسی + انتزاعی در شعر مخفی زیاد است.

Archive of SID

www.SID.ir

- موتیفهای خاص واژگانی: ویژگی مهمی که در شعر شاعران سبک هندی بوفور یافت میشود بگونه‌ای که دیوان صائب، به لحاظ حجم و گستره ی موتیف، یکی از غنیترین دیوانهای شعر سبک هندی بشمار میاید. در شعر مخفی نیز بسامد وتکرار فکر، موضوع، مضمون که در قالب کلمات، ترکیبات، صور خیال و.... محور تداعی و تصاویر شاعرانه قرار گرفته و از عناصر سازنده شعر او محسوب میشود.

از نظر بیانی نیز بسامد تمثیل و اسلوب معادله، تشخیص، استعارۀ فعلی، تشبیه فشرده، پارادوکس و اغراق که از مختصات مهم سبک هندی بشمار میآید در شعر مخفی زیاد است. هر یک از ابزارهای بیانی فوق، محمل و موضع خیال آفرینی و مضمون‌سازی شاعرانه قرار گرفته اند. توجه به ساخت اضافی زبان و خصلت ایجاز و فشردگی در تشبیه فشرده، هنجارگریزی و آشنازدایی و همچنین خیزش معنایی در استعارۀ فعلی، در هم ریختن شبکه مألوف کلمات و خلق اسنادهای مجازی و گاه تجریدی در تشخیص، بزرگنمایی صفات و خصوصیات در اغراق و بالاخره استفاده از عناصر تصویری متناقض در گزاره‌های پارادوکسی، همه بیانگر این واقعیت است که مؤلفه‌های سبک هندی در غزل مخفی به نحو چشمگیری جلوه دارد.

منابع و مآخذ:

۱. بررسی ویژگیهای سبکی بیدل دهلوی، وفایی ، عباسعلی، طباطبایی ، سیدمهدی ، فصلنامۀ تخصصی سبک شناسی نظم و نثر(بهارادب) سال سوم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۱۰،بهار ۱۳۸۹ : ۶۹- ۸۵ .

۲. دیوان زیب النساء(مخفی)، صدیقیان، مهیندخت،میرعابدینی، سید ابوطالب، چاپ اول ، تهران، امیر کبیر ، ۱۳۸۱.

۳. دیوان مخفی زیب النساءبیگم، کرمی، احمد، چاپ اول تهران، سلسه نشریات ، ۱۳۶۲.

۴. سبک شناسی نظریه ها، رویکردهاو روشها، فتوحی، محمود،چاپ اول تهران، علمی ، ۱۳۹۱ .

۵. سبک شناسی نظم، شمسیا، سیروس، چاپ پانزدهم، تهران، پیام نور ، ۱۳۸۷.

۶. شاعر آینه ها و بررسی سبک هندی و شعر بیدل،شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ سوم، تهران، آگاه ، ۱۳۷۱.

۷. شاعری در هجوم منتقدان ، نقد ادبی در سبک هندی پیرامون شعر حزین لاهیجی ، شفیعی کدکنی ، محمدرضا، تهران ، آگه، ۱۳۹۰.

۸. شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، زرین کوب، عبدالحسین، چاپ هفتم، تهران، علمی، ۱۳۷۲.

۹. شکل گیری و تکامل ساخت « ترکیبات خاص » در سبک هندی ، علی منش، ولی ، قاسمی ، ابراهیم، فصلنامۀ تخصصی سبک شناسی نظم و نثر.(بهار ادب) سال چهارم شماره سوم، سماره پیاپی ۱۳، پاییز ۱۳۹۰ ، صص ۲۳۱-۲۴۳ .

Archive of SID

www.SID.ir

۱۰.صائب و سبک هندی ، دریاگشت ، محمدرسول،تهران ، قطره،۱۳۵۴.
۱۱.طرز تازه سبک شناسی غزل سبک هندی، پورآلاشتی، حسن، چاپ اول تهران، سخن، ۱۳۸۴.
۱۲.فرهنگ ادبیات و نقد ادبی، جی. ای . کادن ، چاپ اول ، ترجمه فیروزمند، کاظم ، تهران ، شادگان ، ۱۳۸۰.
۱۳.فرهنگ اصطلاحات ادبی ،داد ، سیما، تهران ، مروارید ، ۱۳۸۵.
۱۴.موتیف چیست و چگونه شکل می گیرد، تقوی ، محمد ، دهقان ، الهام ، فصلنامهٔ نقد ادبی، س۲ ،ش۸،۱۳۸۸ ،صص۷-۳۱.
۱۵.موسیقی شعر ، شفیعی کدکنی ، محمدرضا ، تهران ، آگه ، ۱۳۸۶

Archive of SID

www.SID.ir